

رویکرد تحلیلی معماری ارگانیک در دوره پهلوی دوم در ایران با ذکر سه نمونه موردی؛ کاخ مروارید، ویلای کلوکن، باغ جمشیدی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۱/۲۰

کد مقاله: ۵۲۵۴۹

نرگس رنجبار^{۱*}، زهرا سیاوشی^۲، مهدیس زبرجدی شفق^۳
روزهیتا فرد^۴

چکیده

معماری ارگانیک یکی از شاخه‌های معماری مدرن است که با احترام به طبیعت و حداقل دستکاری در طبیعت نقش آفرینی کرده و بنایی خلق می‌کند که همگام با طبیعت پیرامون باشد و محیط مصنوعی و طبیعی را با هم ادغام می‌کند. معماری ارگانیک از دیرباز به عنوان معماری بومی در سرزمین ایران وجود داشت. این سبک در قرن هجدهم و نوزدهم میلادی در غرب شکل گرفت و در قرن بیستم میلادی به اوج خود رسید. این معماری که همواره آثار شاخصی از آن در کشور ساخته شده است نیاز به ارزیابی دقیق و مبرم دارد. این سبک از معماری که در دهه‌های اخیر وارد کشور شد و همواره آثار فاخری از آن ساخته شده است که نیاز به ارزیابی دقیق‌تر از حیث معماری و کالبدی دارد. این که معماری ارگانیک در این تحقیق که با روش کیفی و رویکرد تفسیری-تاریخی تدوین شده است؛ سه اثر شاخص ارگانیک مورد تحقیق و ارزیابی واقع می‌شود؛ گردآوری اطلاعات از طریق اسناد تاریخی مطالعات کتابخانه‌ای و مشاهدات میدانی می‌باشد؛ و نتایج تحلیل نشان می‌دهد که معماری ارگانیک یک فلسفه در معماری است که به ترویج هماهنگی بین عادت‌های انسانی و طبیعت می‌پردازد. این نوع معماری هارمونی بین ساختمان و جهان طبیعی را ترویج می‌دهد، با تلفیق زمان و مکان، ارگانیک به دنبال ایجاد هارمونی منسجم با دنیای اطراف خود است. از ساختمان‌های ارگانیک را در کل، معماران بزرگ این حوزه، با تأکید بر هارمونی با طبیعت و تلفیق مناسب با محل ساخت، به خلق آثار منحصر به فرد و هنرمندانه در دنیای معماری پرداخته‌اند.

واژگان کلیدی: معماری ارگانیک، طبیعت، رایت، پهلوی دوم، هوشنگ سیحون

۱- دانشجوی کارشناسی معماری داخلی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز (نویسنده مسئول)
narges.ranjbar.2070@gmail.com

۲- دانشجوی کارشناسی معماری داخلی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز

۳- دانشجوی کارشناسی معماری داخلی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز

۴- دانشجوی کارشناسی معماری داخلی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز

۱- مقدمه

معماری آرگانیک تنها سبکی است که به موازات زمین و طبیعت احترام می‌گذارد، و برای آن ارزش قائل می‌شود. این سبک معماری بدون دخالت و آسیب به طبیعت صورت می‌گیرد؛ به گونه‌ای که حتی راضی به جابجایی یک کلوخه سنگ در طراحی اش نمی‌باشد. همچنین احترام به توپوگرافی زمین حائز اهمیت است و سعی در کارکرد منطبق با آن را دارد. در این سبک اختصاصاً به رابطه طبیعت با عواطف و احساسات انسان پرداخته شده؛ به گونه‌ای که استفاده از مصالح ساختمانی به صورت طبیعی نمایان کننده آن اثر از طبیعت است که هم در فضای داخلی و هم در محیط خارجی بناء صورت می‌گیرد. نظریه‌های معماری آرگانیک توسط خیره‌هایی چون فرانک لوید رایت، فرانک فرنس و سالیوان پایه‌گذاری شد. معماری آرگانیک یکی از شاخه‌های معماری مدرن محسوب می‌شود. بدنه اصلی معماری مدرن، عصر مدرن و دستاورد بزرگ آن که علم و تکنولوژی است را به عنوان ایده اصلی طرح‌های خود قرار داده بود. اما معماری آرگانیک، طبیعت و تلفیق نمودن ساخته بشر با طبیعت را به عنوان ایده اصلی قلمداد می‌نمود. (قبادیان، ۱۴۰۰: ۲۳۷) در اوایل قرن بیستم که به تدریج ایده‌های رایت در ساختمان‌هایش شکل می‌گرفت، در اروپا و آمریکا تکنولوژی به سرعت در حال گسترش و پیشرفت بود. این پیشرفت در زمینه معماری، از نظر تئوری و اجرایی بسیار مشهود و بارز بود. اگرچه رایت با تکنولوژی مدرن مخالفتی نداشت، ولی وی آن را به عنوان غایت و هدف تلقی نمی‌نمود. به اعتقاد رایت، تکنولوژی وسیله‌ای است برای رسیدن به یک معماری والاتر که از نظر وی همانا معماری آرگانیک بود. (قبادیان، ۱۳۹۶: ۶۷) در این مقاله معماری آرگانیک در دوره پهلوی دوم با ذکر سه نمونه موردی، مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

۲- پیشینه پژوهش

پیش معماری آرگانیک ریشه در فلسفه رمانتیک دارد. رمانتیک جنبش فلسفی، هنری و ادبی در اواخر قرن هجده و نوزده میلادی در شمال غربی اروپا بود که به سایر نقاط اروپا و آمریکا سرایت کرد. این جنبش واکنشی در مقابل خودگرایی عقل مدرن بود. [گوته (۱۸۳۲-۱۷۴۹) و شیلر (۱۸۰۵-۱۷۵۹)] معماری آرگانیک یک فلسفه در معماری است که به ترویج هماهنگی بین عادت‌های انسانی و طبیعت می‌پردازد؛ همچنین تلاش بر این دارد تا ساختمان‌ها را با طبیعت هماهنگ کند، این رویکرد بر اصول و مفاهیم مختلفی تأکید دارد که در ساخت ساختمان‌های نسل آینده، که همسو با طبیعت هستند، می‌تواند تأثیرگذار باشد. در مفهوم سبک آرگانیک، روابط هماهنگ بین کل و جزء، با فرآیندهای طبیعی مانند تولد و رشد و مرگ در معماری آرگانیک بررسی می‌شود. عقاید رمانتیک اروپا و آمریکا، زیر بنای فکری معماری آرگانیک را تشکیل داده است. با توجه به پژوهش‌های صورت گرفته، معماری آرگانیک به عنوان یک رویداد فلسفی شناخته شده و درحال پیشرفت است همین‌طور تلاش دارد تا سطح جدیدی از همکاری بین سازنده، کاربر، و طبیعت را به وجود آورد.

۳- مبانی نظری

معماری آرگانیک به طور کلی به طبیعت و حس‌های شهودی وابسته و بر اساس قانون وجودی و نظم خود ساختار، فرم خود را به وجود می‌آورد. فرم‌های بی‌قاعده و ارتباط بین کارکرد و محیط آن در این نوع معماری به اصول شمار می‌رود. همچنین، طرح‌هایی که در این نوع معماری وجود دارد مبتنی بر سادگی هستند و تزئیناتی که بکار می‌رود بطور کلی حذف نمی‌شود بلکه بیش از حد نیستند.

اصول معماری آرگانیک به شرح موارد ذیل است:

- آ. طبیعت را باید داخل بنا، اجزا و مصالح نیز آورد، آرگانیک به معنای همگونی و تلفیق اجزا نسبت به کل و کل به جز است. تلفیق فرم و عملکرد و استفاده از قدرت تفکر انسان در رابطه با عملکرد ضروری است.
- ب. احترام به محیط طبیعی و تلفیق آن با حجم و فرم به گونه‌ای که هر کدام مکمل یکدیگر باشند.
- ج. احترام به ذات مصالح، به آن معنا که همان گونه‌ای که هستند استفاده شوند.
- د. استفاده از خطوط ساده و مستقیم به جای خطوط منحنی و شکسته. (Senosiain, ۱۹۸۵)

آن چه که در مکتب نئوکلاسیسیسم مهم می‌نماید، مسئله‌ی تفکیک فرم و محتوا است که باعث پدید آمدن دیدگاهی مکانیکی در نظریه‌ی هنری این مکتب گردید. در دوره‌ی رمانتیسم نگرش تازه‌ای در حیطه مباحث نظری هنر شکل گرفت. سردمدار این نظریه‌ی جدید آوگوست ویلهلم شلگل^۱ بود. او در نوشته‌های خود نگرش تازه‌ای را در مورد فرم آثار هنری مطرح کرد. به عقیده‌ی شلگل، فرم آثار هنری را می‌توان به دو گروه جداگانه تقسیم نمود: فرم مکانیکی (ماشینی) و آرگانیکی. به‌زعم شلگل، فرم مکانیکی از بیرون بر چیزی که با آن بیگانه است تحمیل می‌شود، درحالی که فرم آرگانیکی همزمان «از درون» یعنی از خود موضوع و نه از قوانین بیرونی یا نمونه‌های معین تجویز شده رشد می‌کند، و ساخت و ترکیب مناسب خود را می‌یابد.

1. August Wilhelm Schlegel

(Powell, 1999.vol 2: 238-9) کولریج^۲ نیز بر این عقیده بود که هنرمند در یک اثر هنری باید درون و بیرون را به وحدت رساند. تلقی وی از فرم آرگانیکی به این معناست که اثر هنری پدیده‌ای واحد و یگانه است و هنرمند باید درصدد آن باشد تا عناصر تشکیل دهنده‌ی اثر هنری به یک کل واحد برسند. زوی^۳ نیز همسو با اندیشمندان رمانتیک چنین می‌نویسد: «طرح را زمانی میتوان آرگانیکی نامید که سازماندهی هماهنگی بین اجزاء بر طبق ساختار ماده و کاربرد آن وجود داشته باشد. با این تعریف دیگر هیچ نوع تزئینی بیپهوده و یا غیر ضروری نخواهد بود». (Ibid, 264-6) ظاهراً واژه ی «آرگانیکی» در معماری برای اولین بار در کتاب گپ‌های کودکستانی^۴، اثر لویی سالیوان بیان شده است. (Lavalou, 1996:46-56) این واژه را سال‌ها بعد از سالیوان فرانک لوید رایت بسط داد و برای توصیف کارهای خویش به کار برد. رایت بعد از آشنایی با فرهنگ شرق و عمدتاً ژاپن اصول معماری خود را تدوین نمود. معماری فرانک لوید رایت، و ایده‌ی «آرگانیکی» او برای اولین بار از طریق نمایشگاهی بسیار موفق در سال ۱۹۱۰ به اروپا معرفی شد و از آن زمان تاکنون در تحولات معماری تمامی اروپا تأثیری بس چشمگیر داشته است. (بانی مسعود، ۱۳۸۹: ۲۷۷)

۳-۱- معماری آرگانیکی در غرب

بینش معماری آرگانیکی ریشه در فلسفه رمانتیک دارد. رمانتیک جنبش فلسفی، هنری و ادبی در اواخر قرن هجده و نوزده میلادی در شمال غربی اروپا بود که به سایر نقاط اروپا و آمریکا سرایت کرد. این جنبش واکنشی در مقابل خودگرایی عقل مدرن بود. [گوته (۱۸۳۲-۱۷۴۹) و شیلر (۱۸۰۵-۱۷۵۹)] (قبادیان، ۱۳۹۶: ۶۳) اوج شکوفایی این نظریه را می‌توان در نیمه اول قرن بیستم در نوشته‌ها و طرح‌های فرانک لوید رایت^۵ مشاهده کرد. معماری آرگانیکی در آمریکا در قرن ۱۹ توسط فرانک فرنس^۶ و لویی سالیوان^۷ شکل گرفت. نام فرانک لوید رایت بیش از هر معماری دیگری با معماری آرگانیکی مترادف است. او به عنوان معروف‌ترین معمار آمریکایی، در طرح‌ها و نوشتارهای خود ایده معماری آرگانیکی را در شهرسازی و معماری تعمیم و گسترش داد. (قبادیان، ۱۴۰۰: ۲۳۷) این معمار در طی نود سال عمر پربار خود (۱۹۵۹-۱۸۶۹) بیش از شصت سال فعالیت مستمر معماری داشته و حدود ۵۶۰ ساختمان اجرا نموده است. خانه‌های اولیه رایت به نام خانه‌های دشت‌های مسطح معروف بودند، زیرا این خانه‌ها غالباً در حومه شهر شیکاگو ساخته شده بودند. در تلفیق و هماهنگی با دشت‌های مسطح و سرسبز این نواحی طراحی شده بودند. از مشخصه‌های بارز این ساختمان‌ها می‌توان به پنجره‌های سرتاسری، کنسول نمودن بام و نمایش افقی آن به موازات سطح زمین مسطح و نشان دادن مصالح در ساختمان اشاره کرد. از جمله شاخص‌ترین نمونه‌های این ساختمان‌ها باید از خانه رویی در حومه شیکاگو نام برد. در اوایل قرن بیستم که به تدریج ایده‌های رایت در ساختمان‌هایش شکل می‌گرفت، در اروپا و آمریکا تکنولوژی به سرعت در حال گسترش و پیشرفت بود. این پیشرفت در زمینه معماری، از نظر تئوری و اجرایی بسیار مشهود و بارز بود. اگرچه رایت با تکنولوژی مدرن مخالفتی نداشت، ولی وی آن را به عنوان غایت و هدف تلقی نمی‌نمود. به اعتقاد رایت، تکنولوژی وسیله‌ای است برای رسیدن به یک معماری والاتر که از نظر وی همانا معماری آرگانیکی بود. او در ۲۰ مه ۱۹۵۳ در تلیسین معماری آرگانیکی را در نه عبارت ذیل تعریف کرد:

۱. طبیعت: فقط شامل محیط خارج مانند ابرها، درختان و حیوانات نمی‌شود بلکه شامل داخل بنا و اجزاء و مصالح آن نیز می‌باشد.

۲. آرگانیکی: به معنای همگونی و تلفیق اجزاء نسبت به کل و کل نسبت به اجزا است.

۳. شکل تابع عملکرد: عملکرد صرف صحیح نمی‌باشد بلکه تلفیق فرم و عملکرد و استفاده از ابداع و قدرت تفکر انسان در رابطه با عملکرد ضروری است. فرم و عملکرد یکی هستند.

۴. لطافت: تفکر و تخیل انسان باید مصالح و سازه سخت ساختمان را به صورت فرم‌های دلپذیر و انسانی شکل دهد همان گونه که پوشش درخت و گل‌های بوته‌ها، شاخه‌های آنها را تکمیل می‌کند. مکانیک ساختمان باید در اختیار انسان باشد و نه بالعکس.

۵. سنت: تبعیت و نه تقلید از سنت اساس تفکر معماری آرگانیکی است.

۶. تزئینات: بخشی جدایی ناپذیر از معماری است. رابطه تزئینات به معماری نمانند گل‌ها به شاخه‌های بوته می‌باشد.

۷. روح: روح چیزی نیست که به ساختمان القا شود، بلکه باید در درون آن جود داشته باشد و از داخل به خارج گسترش یابد.

۸. بعد سوم: برخلاف اعتقاد عمومی، بعد سوم عرض نیست، بلکه ضخامت و عمق است.

^۲ Coleridge

^۳ Zevi

^۴ Kindergarten Chats

^۵ Frank Lloyd Wright

^۶ Frank Furness

^۷ Louis Sullivan

۹. فضا: عنصری است که دائماً باید در حال گسترش باشد. فضا یک شالوده پنهانی است که تمام ریتم‌های ساختمان باید از آن منبعث شوند و در آن جریان داشته باشند. (قبادیان، ۱۳۹۶: ۶۸)

۳-۲- معرفی معماران آرگانیک و پایه گذار آن

۳-۲-۱- فرانک لویید رایت

پیش از رایت، ابنر هوارد (طراح شهری، انگلیسی) ایده باغ شهر^۸ را در اواخر قرن نوزدهم مطرح کرد منظور از چنین شهری، به منظور استفاده حداکثر از مواهب شهر های مدرن صنعتی و همچنین فضای طبیعی روستاها بود. هوارد در باغ شهر خود، خواهان پرهیز از مشکلات آلودگی و تراکم در شهرها بود. در عین حال کمبود امکانات مدرن در محیط طبیعی روستاها نیز از نظر وی مناسب نبود. لذا در این باغ شهر ایده آل، علت امکانات و رفاه زندگی مدرن با سرزندگی و شادابی محیط ادغام شده بود. (قبادیان، ۱۴۰۰: ۲۳۷) رایت شخصیتی درخور ستایش است که پیام آور آزادی تازه، و نظمی نو در معماری بود. کارها و اندیشه‌های وی در معماری یکی از مهم‌ترین مراتب و مدارج معماری آرگانیک را تشکیل می‌دهند. به عبارتی دیگر، معماری آرگانیک بدون کارهای رایت قطعاً چیزی کم داشت. ارزش این جمله زمانی آشکار می‌شود که ما با دیدگاهی تطبیقی نوشته‌ها و کارهای او را مورد بررسی قرار دهیم. نوشته‌های وی تجربیاتی بود که بعد از مطالعات فراوان و تأثیرپذیری از معماری قرن نوزدهم (به خصوص سبک معماری شینکل، از منظر ساماندهی و سادگی پلان)، آشنایی با لویی سالیوان، معماری بومی آمریکا، جنبش «صنایع و حرف» و در نهایت معماری سنتی ژاپن به دست آورده بود. اندیشه‌ها و دیدگاه‌های نظری رایت از طرفی نیز تحت تأثیر معماری نظیر چارلز رنی مکینتاش^۹ بود. شباهت میان کارهای نخستین رایت و رنی مکینتاش حیرت آور است: هر دوی آنها به دنبال خلق بنایی بودند که کامل و یکپارچه باشد. به این معنا که در طراحی بنا هر عنصر به عنوان جزئی از یک کل واحد در نظر گرفته شود. و از سویی می‌توان مفاهیمی همچون وفاداری به مصالح، مقیاس انسانی، و آرایه‌های یکپارچه را در کنار اهمیت سبک بومی، در سرلوحه‌ی فلسفه‌ی معماری هر دوی آنان مشاهده نمود. (Steele, 2005: 193-4) اولین تجربه‌ی رایت در حیطه‌ی طراحی خانه‌های مسکونی [بیش از صد خانه] طراحی خانه‌ی ویلیام ایچ. وینزلو^{۱۰} در ریور فارست^{۱۱} ایلینوی^{۱۲} به سال ۱۸۹۴ است. طرح این خانه از خیلی جهات ارزشمند و قابل بررسی است. در حقیقت طرح این خانه، جزء اولین طرح‌هایی است که سبک خانه سازی رایت خود را به شکل آشکاری بیان می‌نماید: بام‌های بیرون زده، تأکید بر خطوط افقی، و نمای غیر متقارن، پلان آزاد، حذف فضاهای نمایشی و بی مورد، و تأکید بر فضای اختصاص یافته به آتشگاه و دودکش خانه هم در پلان (مرکز سکونت‌گاه) و هم در نما (به عنوان المان عمودی نما). (Steele, 1997: 310) ورودی خانه به شیوه‌ی ساختمان‌های طراحی شده‌ی مدرسه‌ی هنرهای زیبای پاریس است. (بانی مسعود، ۱۳۸۹: ۲۷۷) رایت در کتاب خود به نام شهر در حال محو شدن^{۱۳} در سال ۱۹۳۲، ایده پهن شهر ۴۰۰۰ متر مربعی را مطرح کرد. در این شهر جدید، هر خانواده آمریکایی یک اکر (۴۰۴۷ مترمربع) زمین از دولت دریافت می‌کند و خانه خود را در آن می‌سازد. در این پهن شهر، ساختمان‌ها در یک باغ شهر بزرگ قرار دارند. در حال حاضر این ایده رایت را به نوعی در محوطه‌های مسکونی در حومه شهرهای آمریکا و کانادا می‌توان مشاهده کرد. (قبادیان، ۱۴۰۰: ۲۳۷) شاهکار معماری فرانک لویید رایت و نظریه آرگانیک را می‌توان در خانه آبشار در ایالت پنسیلوانیا در آمریکا دید. رایت معتقد بود که ماهیت مصالح در ساختمان می‌بایست نشان داده شود، به گونه‌ای که "شیشه به عنوان شیشه، سنگ به عنوان سنگ و چوب به عنوان چوب به کار رود". از نظر وی "آرگانیک یعنی تلفیق شدن کل مجموعه" و در مورد ساختمان آرگانیک معتقد بود: "ساخته شده توسط افراد از درون زمین، با تمهیداتی که خود در نظر می‌گیرند و با توجه به زمان، مکان، محیط و هدف، ممکن است آن را ساختمان محلی بخوانیم". در اروپا هوگو هرینگ، معمار آلمانی، از جمله نظریه پردازان معماری آرگانیک محسوب می‌شود، چنانچه وی می‌نویسد: "روش هندسی ساکن و ایستا است. امروزه تعامل بیشتر به سمت ساختارهای انعطاف‌پذیر و در نظر گرفتن ساختمان به عنوان یک آرگانیسم زنده می‌باشد. آنها به سوی کالبدی آرگانیک تمایل دارند. ایده زندگی و حرکت جایگزین انتزاع، تغییر ناپذیری و سکون می‌شود. شدن به جای بودن، این تغییر جهانی است، همه را شامل می‌شود". (قبادیان، ۱۳۹۶: ۶۸)

فرانک فرنس که استاد سالیوان محسوب می‌شد و سالیوان برای مدتی در دفتر او کار کرد، بیشتر تحت تاثیر سبک نئوگوتیک بود. به اعتقاد فرنس: "بر اساس نظریه آرگانیک، همه فرم های طبیعی پویا (دینامیک) هستند. نیروها و فشارهایی که در ساختار یک حیوان دخیل هستند، کشش ماهیچه ها و مفاصل هنگامی که موجود حرکت می‌کند، طرح رشد و گسترش که در فرم ها گیاهان و صدف ها دیده می‌شود، تصویری از یک شکل زنده است. اگر یک کار هنری بخواهد بیان کننده باشد، باید به صورت آرگانیک ساخته شود، اجزاء آن نمی‌توانند به صورت بخش‌های مجزا باشند، بلکه آنها باید در یک سیستم پویا و شکل پذیر در یکدیگر ادغام

^۸ Broad Acer City

^۹ Charles Rennie Mackintosh

^{۱۰} Winslow

^{۱۱} River Forest

^{۱۲} Illinois

^{۱۳} Broad Acer City

شده باشند. بیان در معماری باید، در حل کردن نیروهای فیزیکی که در یک کالبد آرگانیک عمل می‌کند، صورت گیرد. (Ibid , p.28) سالیوان در مورد مصالح می‌گوید: "سنگ و ملات در ساختمان آرگانیک زنده می‌شود". (Ibid , p. 35)

۳-۲-۲- آلوار آلتو

سال ۱۹۲۹ را می‌توان سال خوش اقبالی آلوار آلتو^{۱۴} نامید. در این سال مورخ مشهور مدرن، زیگفرید گیدیون، در دومین گرد-همایی سیام از کارهای آلتو ستایش و تمجید نمود. به عبارت دیگر، گیدیون بود که آلتو را به جهانیان شناساند. گیدیون، قائل به پویایی خاصی در بناهای آلتو بود. او این پویایی را ریشه در سنت‌ها و طبیعت در فنلاند می‌دانست که آلتو آگاهانه به سراغ آن‌ها رفته بود. اندیشه‌های آلتو در معماری را باید در یک همسویی خاص با مباحث معماری آرگانیک جست‌وجو نمود. او به طبیعت، همچون منبعی الهام بخش می‌نگریست که دارای آرگانسیسمی زنده و پویا است. ولی آن‌چه که ما شاهد آن هستیم طبیعتی انتزاعی است که مشخصاً در کارهای او نمود یافته است. بر همین اساس منتقدین او را مندرنیستی بوم‌گرا می‌نامند. معماری آلتو را باید در یک سیر رو به رشد ملاحظه نمود. این معماری از کلاسیسیسم آغاز می‌شود و در سیر تحول خود با کارکردگرایی، معماری آرگانیک، و معماری مدرن به اوج خود می‌رسد. ویلای مایره آ^{۱۵} در شمار یکی از مهم‌ترین آثار آلتو در حیطه‌ی طراحی بناهای مسکونی است. طرح ویلا بر اساس دگردیسی هوشمندانه پلان آزاد لوکوربوزیه و جزییات روابط فضایی خانه آبشار رایت سامان یافته است. حجم بنا با اینکه اشکال کوبیستی را در ذهن زنده می‌سازد، ولی کاملاً با معماری بومی منطقه آمیخته است. از دیگر آثار آلتو به موارد زیر می‌توان اشاره کرد: طراحی غرفه‌ی فنلاند (تخریب شده) در نمایشگاه جهانی نیویورک. خوابگاه دانشجویان در انستیتوی تکنولوژی ماساچوستس (ام.آی.تی). تالار شهر سینت سالو و فرهنگسرای هلسنکی^{۱۶}. (بانی مسعود، ۱۳۸۹:۳۰۰) در جدول شماره یک آثار معماران برجسته سبک آرگانیک در جهان به شرح ذیل می‌باشد:

جدول ۱: معماران برجسته سبک آرگانیک در جهان

ردیف	نام معمار	تولد - فوت	زادگاه - تابعیت ثانویه	نام معماران (انگلیسی)
۱	آلوار آلتو	۱۹۷۶ - ۱۸۹۸	فنلاند	Alvar Aalto
۲	فرانک فرنس	۱۹۱۲ - ۱۸۳۹	آمریکا	Frank Furness
۳	فرانک لوید رایت	۱۹۵۹ - ۱۸۶۹	آمریکا	Frank Lloyd Wright
۴	لوئی هانری سالیوان	۱۹۷۶ - ۱۸۵۶	آمریکا	Louis Henry Sullivan
۵	ساموئل تیلور کولریج	۱۸۳۴ - ۱۷۷۲	انگلستان	Samuel Taylor Coleridge
۶	رالف والدو امرسون	۱۸۸۲ - ۱۸۰۳	آمریکا	Ralph Waldo Emerson
۷	هانز شارون	۱۹۷۲ - ۱۸۹۳	آلمان	Hans Scharoun
۸	هوگو هرینگ	۱۹۵۸ - ۱۸۸۲	آلمان	Hugo Haring
۹	هوراتیو گرینو	۱۸۵۲ - ۱۸۰۵	آمریکا	Horatio Greenough
۱۰	فی جونز	۱۹۳۶	آمریکا	Fay Jones
۱۱	ابنزر هوارد	۱۹۲۸ - ۱۸۵۰	انگلستان	Ebenezer Howard
۱۲	ویلیام وسلی پیترز	۱۹۹۱ - ۱۹۱۲	آمریکا	William Wesley Peters

۳-۳- معماری در ایران

در ایران نیز از نیمه دهه ۱۹۶۰ میلادی ساختمان‌ها و محوطه‌هایی به صورت آرگانیک احداث شد. ولی نمونه این معماری را می‌توان در گذشته این سرزمین، یا به عبارتی در معماری بومی ایران نیز مشاهده کرد. از روستای ماسوله در گیلان، به عنوان یکی از بهترین نمونه‌های معماری آرگانیک در ایران نام برد. (قبادیان، ۱۴۰۰:۲۳۸) البته ماسوله گیلان هم معماری بومی است و هم آرگانیک (مصاحبه با دکتر مازیار سرداری) برای اجرای ساختمان‌ها در ماسوله، از مصالح بومی مانند سنگ، خشت، تیر چوبی، شاخه درختان و کاهگل استفاده شده است. (قبادیان، ۱۴۰۰:۲۳۸) که همگی از طبیعت و مصالح طبیعی هستند. این مطلب در مورد دیگر

^{۱۴} Alvar Aalto

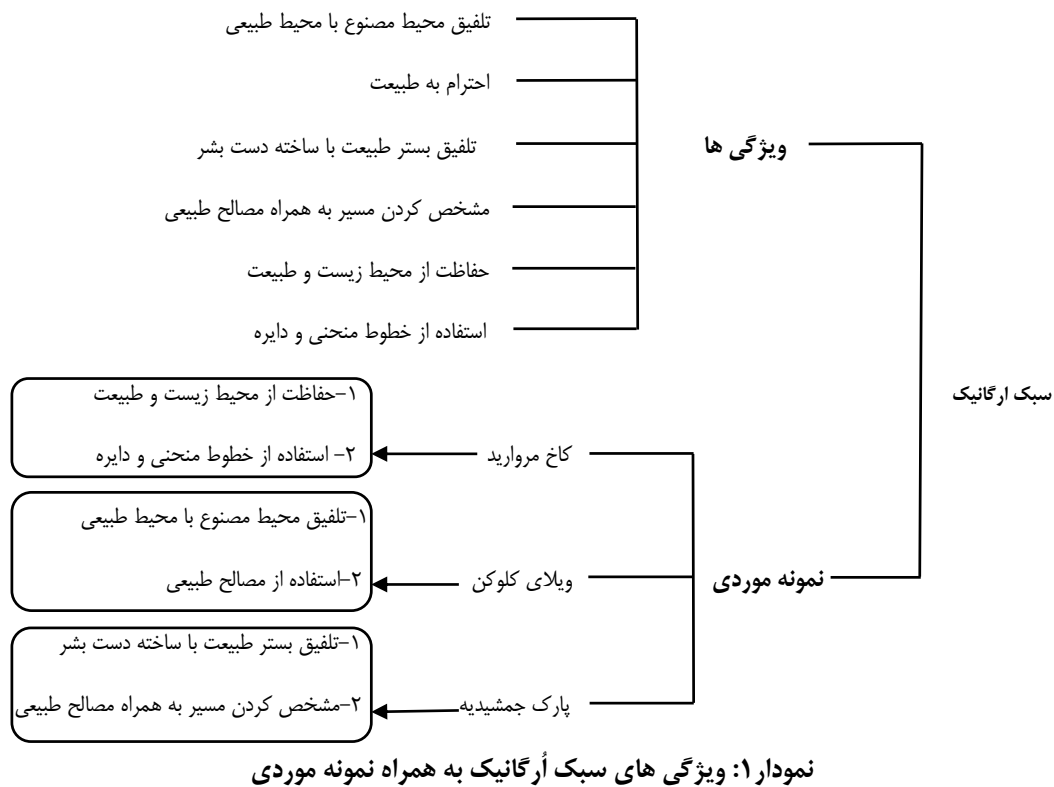
^{۱۵} Maireia

^{۱۶} Helsinki

روستاهای ایران، مانند روستای زیارت در استان گلستان، کندوان در آذربایجان شرقی، میمند در کرمان، ایبانه در اصفهان و لافت در هرمزگان و بسیاری دیگر نیز موضوعیت دارد. (قبادیان، ۱۴۰۰:۲۳۸)

در دوره پهلوی اول، هیچ ساختمان شاخصی به سبک آرگانیک در ایران مشاهده نشده است. تنها می‌توان از باغ ملی در میدان مشق نام برد که طراحی محوطه آن بصورت تداخل کمان‌هایی از دایره بود. باغ ملی در سال ۱۳۰۷ احداث شد و اولین باغ عمومی (پارک) است که تفرجگاه مردم در شهر تهران بود. در سال ۱۳۱۲ این باغ تخریب و در محل آن کاخ وزارت امور خارجه، موزه ایران باستان و کتابخانه ملی احداث شد. در دوره پهلوی دوم هفت پارک یا بنای شاخص به سبک آرگانیک احداث گردید. (قبادیان، ۱۴۰۰:۲۳۹) که در این پژوهش سه نمونه موردی آن را تحلیل می‌کنیم.

یکی از معماران مهم مدرن تاریخ گرای ایران که توانست کارهای مهمی از خود به یادگار بگذارد، کامران طباطبایی دیبا است. یکی دیگر از کارهای دیبا در زمینه طراحی باغ‌سازی، طراحی فضا و محوطه‌سازی ضلع غربی پارک لاله، یعنی در واقع محوطه شمال موزه تا موزه‌ی فرش است. او با ایجاد دروازه و تعیین محل استقرار کیوسک‌هایی برای جلب توجه جمعیت در شمال موزه، یک محور جدید برای پارک گشود. در این طرح با یک سری فواره و یک دیوار، ورودی بدیعی میان پارک و خیابان شهر ایجاد شد، که سادگی و صراحت خاصی داشت. به تعبیری می‌توان گفت دیبا پایه‌گذار باغ‌سازی در ایران در دوره معاصر محسوب می‌شود و نکته جالب در کار باغ‌سازی او توجه خاص به مسئله کم‌آبی و مشکلات نگهداری فضای سبز در اقلیم ایران است. (محمدی گنبدی و جزیری، ۱۳۹۴) اولین اثر آرگانیک در ایران بعد اینکه رایت مکتوبش کرد پارک ساعی است که توسط محمد هادی ساعی طراحی شده است. (مصاحبه با دکتر مازیار سرداری)



۳-۱-۳- کاخ مروارید

اگرچه فرانک لوید رایت هیچ‌گاه به ایران سفر نکرد و هیچ ساختمانی توسط او در ایران طراحی نشد، ولی سه کاخ مهم توسط بنیاد فرانک لوید رایت برای شمس پهلوی طراحی شده است. هر سه کاخ جزو ساختمان‌های سبک معماری آرگانیک در ایران محسوب می‌شوند. (قبادیان، ۱۴۰۰:۲۴۰) کاخ مروارید یکی از آنها است. این کاخ را بنیاد فرانک لوید (ویلیام وزلی پیترز^{۱۷} - داماد

^{۱۷} William Wesley Peters

فرانک لوید رایت و اولین شاگرد وی طراحی شد. توماس کیسی^{۱۸} نماینده بنیاد فرانک لوید رایت در خاورمیانه نیز در طراحی و اجرای کاخ همکاری نموده است. برای شمس پهلوی (خواهر محمدرضا شاه) در مهرشهر کرج طراحی کرده است.

این کاخ در میان یک باغ بسیار وسیع و در مجاور یک دریاچه قرار دارد. ایده‌های فرانک لوید رایت همچون تلفیق شدن محیط مصنوع با محیط طبیعی، استفاده از مصالح طبیعی بصورت طبیعی، استفاده از فضای آزاد و حرکت فضا و تداخل فضاها در یکدیگر در داخل بنا و همچنین استفاده از خطوط دایره و منحنی در این مجموعه به خوبی به نمایش گذارده شده است. گرچه، با توجه به قرارگرفتن این ساختمان آرگانیک در ایران، نمادهایی از معماری تاریخی ایران نیز در طرح بنا لحاظ شده که بارزترین آن زیگورات دوار بر بالای ساختمان کاخ است. (قبادیان، ۱۴۰۰: ۲۴۰) فرایند تکاملی رشد ساختار پوسته صدف‌ها از طریق تعریف یک منحنی اسپیرال ویژه مدل سازی شد و بسط و چرخش این منحنی اسپیرال شکل نهایی صدف را ایجاد کرد. به عقیده‌ی مایکل کورتی، صدف‌ها گونه‌های تکامل یافته حلزون‌ها هستند. فرم مناسب و قابل ساخت غرفه‌های نمایشگاهی در مقیاس ۱/۱ به صورت یک کفه از صدف دو کفه‌ای انتخاب گردید فرم انتخابی علاوه بر فضای یکپارچه رفیع و بسیار زیبای نمایشگاهی که در اختیار می‌گذارد به دلیل موج بودن پوسته آن بسیار مقاوم است و لبه‌های موج آن نیز مستقیماً می‌توانند بر روی زمین قرار گیرد. از ویژگی‌هایی که سبب انتخاب یک کفه از صدف دو کفه‌ای غرفه نمایشگاهی گشت امکان نشستن و قرارگیری هم‌زمان سر و لبه‌های موج کفه صدف بر روی یک سطح در این مورد زمین است. (مشایخ فریدنی، ۱۳۹۲) این کاخ در سال ۱۳۴۵ ساخته شده و تقریباً پنج هزار متر مربع زیربنا دارد. کاخ مروارید پس از وقوع انقلاب اسلامی، در اختیار بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی قرار گرفت. در حال حاضر این کاخ در اختیار مقاومت بسیج است. تا چند سال قبل کاخ مروارید برای بازدید عموم آزاد بود و محوطه آن به عنوان تفرجگاه، مورد استفاده دانش‌آموزان قرار می‌گرفت. اما چند سالی است که کاخ تعطیل شده است. (قبادیان، ۱۴۰۰: ۲۴۰)

۳-۳-۲- ویلای کلوکن (خانه اوشان)

هوشنگ سیحون به سال ۱۲۹۹ خورشیدی در تهران و در خانواده‌ای هنرمند به دنیا آمد. هوشنگ سیحون، طراحی چیره دست است. نقاشی‌ها و اتودهای دستی او شخصیت ویژه‌ای را به نمایش می‌گذارد و بخشی از این ویژگی، ریشه در نقاشی ایرانی (میناتور) دارد. سیحون سردرسته معماران مدرن تاریخ گرای ایران، و استاد معماری یادمانی است. (بانی مسعود، ۱۳۹۴: ۲۹۹) خانه‌ی بیلاقی هوشنگ سیحون در روستای کلوگان فشم، در سال ۱۳۵۳ به سبک معماری آرگانیک ساخته شد. روستای کلوگان از توابع رودبار قصران در فاصله‌ی زمانی ۲۰ دقیقه‌ای از تهران و نرسیده به اوشان و فشم در حاشیه جاده لشکرک قرار دارد که به دلیل قرارگیری این روستا در حاشیه‌ی جاده‌ی اصلی و نبود مسیر ماشین‌رو در طول روستا، آرامش و سکوتی نسبی بر آن حکم فرما است. این خانه‌ی بیلاقی با متراژ تقریبی ۷۶ مترمربع در اراضی فشم در نزدیکی تهران، ترکیبی بسیار زیبا از معماری و طبیعت دارد، در سینه‌ی کوه جای گرفته و با تحمیل کمترین تغییرات در بطن طبیعت ساخته شده است. غالب مصالح مورد استفاده در این بنا، سنگ، چوب و فولاد هستند و تیرهای سازه بر روی ستون‌های حجیم قرار گرفته‌اند. (سیحون، ۱۳۹۴: ۳۲۴)

چکیده‌ای از سخنان هوشنگ سیحون درباره خرید باغ و ساختن ویلا اوشان: قصه ساختن این ویلا این گونه است که دوست ارمنی آقای سیحون که مردی نقاش بودند و همراه با آقای سیحون برای طراحی و نقاشی به مناطق و شهرهای مختلف می‌رفتند در روستای کلوگان که در جاده‌های از جنوب به شمال تهران بود و از لشکرک به سمت اوشان و فشم می‌رفت یک ملک داشتند. ایشان سعی داشتند آقای سیحون را راضی به خریدن زمینی در روستای کلوگان کنند.

باغ مذکور در سرایشی تندی به سوی رودخانه قرار داشت که از آنجا تا رودخانه پله‌های وسیع سنگ چین درست کرده و خاک ریخته و درخت کاشته بودند؛ در واقع باغی بود در سرایشی من متوجه شدم که میتوان در آنجا ساختمانی ساخت و از همان پله‌ها هم برای ساخت آن بهره بردم پس زیر کوه را در فاصله‌های معینی سوراخ کردم و از کف زمین تیر آهن مقاوم عبور دادم، مقاوم سازی روی پله‌ها را هم لحاظ کردم و بر این اساس خانه‌ی ویلایی کوچکی ساختم. ابتکاری که در ساخت این خانه صورت گرفت این بود که یک بر سالن و آشپزخانه آن را خود بدنه‌ی کوه تشکیل می‌داد. برخورد آرگانیک و هم‌زیستی با طبیعت در این سازه به چشم می‌خورد. ساختمان در هماهنگی خاصی با کوه استقرار یافته که بخش عمده‌ی این هماهنگی در فضای نشیمن به‌وجود آمده است. بخشی از جداره‌ی فضای نشیمن با سنگ‌های کوه تلفیق شده و کاملاً آرگانیک و طبیعت‌گرا طراحی شده است. ایده‌ی طرح خانه و نحوه‌ی برخورد آن با طبیعت، شباهت خاصی به کار معماران آرگانیک و به خصوص کارهای فرانک لوید رایت دارد. (سیحون، ۱۳۹۴: ۳۲۴)

آقای سیحون زمینی را به وسعت ۲۰۰۰ متر مربع را خریداری کرد و با حداقل امکانات آن زمان کلبه‌ی بیلاقی خود را بنا کرد و جابه‌جایی مصالح به وسیله‌ی حیوانات بارکش از جاده اصلی (ایستگاه) صورت گرفت.

سیحون همواره از میزان علاقه‌ی خود به این بنا یاد می‌کرد. نداشتن نقشه‌ای پیش تعیین شده و تصمیم به طراحی و ساخت در محل با مشارکت استادان و شاگردان از دیگران خصوصیات سازه‌ای این بنا است. قرارگیری این زمین در شیئی تند که از یک طرف به بدنه‌ی کوه ورجین و از طرف دیگر به رودخانه‌ی عمامه منتهی می‌شود، باعث شد که با عبور تیرآهن مقاوم و کنسول کردن آن از دیواره‌ی کوه بتوان زمینی مسطح را برای حداقل فضای مورد نیاز داخل (سالن) فراهم آید. در واقع یک طرف سالن و آشپزخانه، همان دیواره‌ی کوه است و دیوارهای سازه‌ای دیگر جهت اجرای سقف شیب‌دار توسط استادکاران اجرا و مقاوم‌سازی شدند. بنای ساخته‌شده نمونه‌ی بارزی از استفاده‌ی مصالح بومی در ساخت مسکن‌های جدید در مناطق روستایی است. استفاده از سنگ روستا در معماری داخلی و بیرونی بنا و آشکار نبودن سیمان برای اتصالات سنگ‌ها مسأله‌ای بود که سیحون همواره بر استادان و شاگردان تأکید می‌کرد که البته عدم رعایت آن توسط استادان، به تخریب چندباره‌ی دیوارهای چیده‌شده انجامید. علاوه بر ایجاد کالبد معماری و استفاده از مصالح بومی روستا (سنگ) در ساختار معماری، برای تزئینات و معماری داخلی آن نظیر ساخت میزها، تخت‌ها، صندلی‌ها و الوارهای چوبی ننگه دارنده‌ی سقف، از چوب‌های خشک شده‌ی درختانی همچون کبوتر و گردو و با همت استاد فرج الله دادی (نجار روستای کلوگان) و به طراحی هوشنگ سیحون در محل ساختمان ساخته شد. احداث راه اختصاصی از جاده‌ی اصلی به روستا و توزیع برق برای روستاییان از دیگر اقداماتی است که در زمان سیحون انجام گرفت. (سیحون، ۱۳۹۴: ۳۲۴)

۳-۳-۳- باغ جمشیدیه و فردوسی

باغ جمشیدیه که بر بستر یک باغ مخروبه (در شمال نیاوران) احداث شده است، در سال ۱۳۵۵ افتتاح شد. باغ فردوسی نیز که کوهپایه‌های شمالی و غربی باغ جمشیدیه را شامل می‌شود، در سال ۱۳۷۵ افتتاح گردید. باغ نخست توسط رجعی نیک خصال، غلامرضا پاسبان حضرت و برقی طراحی شد. باغ فردوسی توسط مهندسان مشاور بافت شهر، به سرپرستی غلامرضا پاسبان حضرت طراحی گردید.




در سال ۱۳۷۱، شهرداری به معماران این پارک، معماران مشاور و شهرسازان بافت شهر، مأموریت داد تا مطالعه گسترده‌تری برای مناطق حاشیه‌ای شمال تهران تهیه کنند. اولین بخش از این مطالعه که اجرا شد، پارکی به مساحت ۳۰ هکتار به نام باغ فردوسی بود که در مجموعه‌ای از خواب‌ها، خندق‌های رو به جنوب پراکنده با سنگ‌های گمشده و صخره‌ها قرار داشت. برای ارزیابی پتانسیل سایت، تیم طراحی به مدت یک ماه در آنجا اردو زدند و طراحی آن‌ها تا حد زیادی از توپوگرافی طبیعی بیرون آمد. در این مجموعه، تلفیق بستر طبیعت با ساخته دست بشر به نحو استادانه و شاعرانه‌ای انجام شده است. ترکیب عوامل طبیعی همچون کوه، صخره، خاک، گیاه و آب با ساخته‌های دست بشر مانند سنگ فرش، جوی آب، سایه‌بان، پله، تندیس، دیوار و ساختمان به گونه‌ای انجام شده، که در عین حفظ ماهیت هر یک، منظره‌های زیبا و دلپسندی را ایجاد نموده است. این طرح نمونه بسیار خوبی از هم‌جواری و هم‌زیستی محیط مصنوع با محیط طبیعی است. طراحی فضاهای مکث، گذر، استراحت و چشم انداز، ترکیبی دلنواز از طبیعت با بدنه‌ها و مصالح طبیعی و مصنوعی است. قسمت‌های مختلف این دو باغ تنها بر روی صفحات نمایشگر رایانه و یا کاغذهای نقشه‌کشی دو بعدی طراحی نشده است. هر قسمت با توجه به وضع موجود بستر طبیعت بررسی شده و دخالت طراح برای پیرایش، صحنه‌آرایی و تکمیل ترکیب آن بستر طبیعی صورت گرفته است. (قبادیان، ۱۴۰۰: ۳۲۱)

پاسبان حضرت در این مورد چنین توضیح می‌دهد: "رفاقت با طبیعت: طراحی که در طبیعت ایجاد می‌شود، می‌بایست همراه با طبیعت و مکمل آن باشد تا احساس تعلق و دوستی طبیعت را در استفاده کننده به وجود آورد. بنابراین بهتر است به هر عنصر طبیعی موجود در محدوده کوهستانی، (حتی المقدور در محدوده استقرار خود)، به عنوان یک موجود قابل احترام نگریست و فضای پیرامونی را در ارتباط با آن طراحی کرد. این امر به خصوص در پارک‌های کوهستانی، حائز اهمیت بیشتری است." (پاسبان حضرت، ۱۳۸۸: ۴۹) در طراحی خانه‌های اقوام ایرانی و دیگر ساختمان‌ها در این دو باغ نیز می‌توان نمونه‌های خوبی از معماری آرگانیک را ملاحظه نمود. چهار خانه به نام‌های خانه شمال غرب (آذربایجان)، خانه غرب (کردستان)، خانه ایلات شمال شرق (ترکمن) و خانه ایلات مرکز و غرب ایران (زاگرس) در باغ فردوسی طراحی شده‌اند که به صورت رستوران مورد استفاده قرار می‌گیرند. این خانه‌ها با توجه به معماری بومی در کوه‌پایه‌های هر یک از مناطق فوق و همچنین تلفیق با محیط اطراف هر بنا طراحی شده‌اند. در مورد مصالح در خانه آذربایجان، پاسبان حضرت می‌نویسد: "مصالح اصلی ساختمان، سنگ طبیعی از کوه‌های پیرامون است که به صورت طبیعی و یا شکسته اجرا شده است. برای پوشش دیوارها، ستون‌ها، پله‌ها و کف‌ها از سنگ طبیعی و یا از سنگ‌های منطقه شمال غرب انتخاب گردیده است سقف‌ها به روش خانه‌های بومی، با چوب و نقش و نگار مرسوم در منطقه پوشش داده شده است."

سازه این ساختمان‌ها، بتن آرمه و مصالح جدید است، ولی این سازه در پشت بدنه مصالح بومی و طبیعی پنهان شده است.

طرح باغ جمشیدیه در سال ۲۰۰۱م. (۱۳۸۰ ه.ش.) برنده جایزه بنیاد آقاخان شد. از نظر هیئت داوران: "این پروژه به جهت نوآوری در طراحی محیط زیست و محدود کردن توسعه شهری، انتخاب و به علت آگاهی و شناختی که نسبت به نگهداری طبیعت در میان بافت شهری و جمعیت داشته، دارای ارزشی خاص است."

جدول ۲: تصویرهایی از نمونه موردی

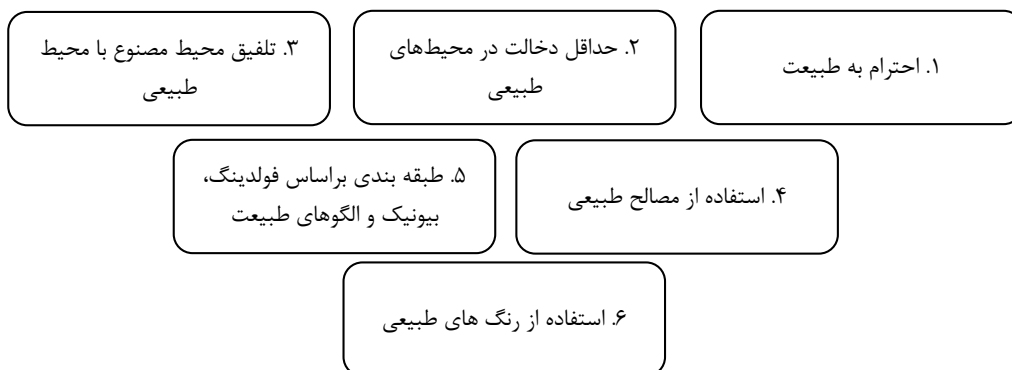
تصویر	اثر
	کاخ مروارید
	ویلای کلوکن (خانه اوشان)
	باغ جمشیدیه و فردوسی

وجود فضاهای باز، فضاهایی برای تفکر گردهمایی و ارتباط جمعی، فضاهایی برای تفریح عموم و اهدافی چون احترام گذاشتن به فرهنگ و طبیعت، عوامل موثر در انتخاب و جذابیت این پروژه بوده است. به کار بردن مصالح و خلاقیت در آن، طراحی مجسمه ها و فضاهای باز بومی برپایه طراحی فضای سبز و نگاه به طبیعت بوده است. در اثر فرهنگ مصرفی جهان و با گسترش فضاها و فرم‌های شهری مشابه، این پارک عمومی (طبیعی شهری) ابداعی در این فرآیند نوین شمرده می‌شود. (قبادیان، ۱۴۰۰: ۳۲۲) تصاویر نمونه موردی‌های ذکر شده در قالب جدول ۲ شده است.

۴- نتیجه گیری

معماری آرگانیک از احترام به طبیعت و الهام گرفتن از اصول طبیعی نشأت می‌گیرد و سعی در حفظ طبیعت دارد. این نوع سبک از معماری به برقراری تناسب و هماهنگی بین ساختمان و طبیعت توجه دارد. این سبک از طریق افزایش کارایی و بهینه‌سازی در مصرف مصالح تلاشی برای هم‌آوایی و همسویی با طبیعت دارد؛ به دنبال ایجاد محیط‌های زندگی و کار مناسب برای انسان است که با خصوصیات طبیعت و انسان هم‌خوانی داشته باشد، به جای تحمیل شیوه‌های خاص، به هماهنگی کل و جزء، و روابط طبیعی تأکید دارد. مفاهیم معماری آرگانیک نشان دهنده چالش‌های تعریف حدود دقیق آن در صنعت ساخت و ساز هستند. این نوع معماری نباید قوانین زیبایی‌شناسی را نادیده گرفته یا به سلیق شخصی فرد وابسته باشد، بلکه باید برای هر فرد، چارچوب مناسب برای زندگی و کار فراهم کند. بنابراین، معماران در تلاشند تا با بهره‌گیری از طبیعت و اصول معماری آرگانیک، فضاهای مناسب برای زندگی و کار انسان را خلق کنند که با خصوصیات طبیعت هم‌خوان باشند.

معماری طبیعت‌گرا یا آرگانیک در معماری بومی، بالاخص در روستاها سابقه طولانی دارد. ولی باغ‌سازی در دوره اسلامی در ایران به صورت هندسی و غیر آرگانیک انجام می‌شده است. در اواسط سلطنت ناصرالدین شاه قاجار، دو نمونه پارک (باغ خصوصی) و در زمان پهلوی اول یک نمونه با (پارک عمومی) در تهران به صورت آرگانیک طراحی شد. در دوره ی پهلوی دوم تعدادی ساختمان و پارک به این سبک در ایران طراحی شد. (قبادیان، ۱۴۰۰: ۲۴۲) ویژگی‌های سبک آرگانیک در این دوره بدین شرح است:



نمودار ۲: شاخصه‌های معماری آرگانیک

همچنین، معماری آرگانیک در معماری بومی ایران تاریخچه‌ای بلند دارد. با توجه به جمع‌بندی مطالب در جدول شماره ۳، معماران صاحب نام در این زمینه، در دوره پهلوی دوم معرفی گردید و آثار آن‌ها مورد تحلیل، قرار گرفت.

جدول ۳: پارک‌ها و ساختمان‌های شاخص سبک ارگانیک در دوره پهلوی دوم (ماخذ: قبادیان)

ردیف	نام بنا	شهر	تاریخ	معمار	کارفرما	توضیحات
۱	پارک ساعی	تهران	۱۳۳۴	-	شهرداری تهران	طراحی محوطه پارک با توجه به شیب و بستر طبیعی زمین
۲	کاخ مروارید	مهرشهر کرج	۱۳۴۵	بنیاد فرانک لویی رایت	شمس پهلوی	طراحی با خطوط منحنی در بستر یک باغ و در مجاور دریاچه
۳	پارک شفق - یوسف آباد	تهران	۱۳۴۵-۴۸	کامران دیبا	شهرداری تهران	مسیرها در پارک به صورت ارگانیک
۴	پارک شاهنشاهی - پارک ملت	تهران	۱۳۴۸-۵۱	مهندسان مشاور امکو- ایرج اعتصام	شهرداری تهران	استفاده از تپه ماهور و توپوگرافی موجود در طراحی پارک
۵	موزه هنرهای مدرن ایران	شیراز	۱۳۴۹	آلوار آلتو، ایسا آلتو	وزارت فرهنگ و هنر؟	ایجاد یک شبکه با شش هرم ناقص منشعب شده از یک مرکز- اجراء نشد
۶	پارک‌های زاینده رود	اصفهان	دهه‌ی ۱۳۵۰	سازمان پارک‌ها- دفتر فنی	شهرداری اصفهان	پارک‌ها با طرح ارگانیک در دو سمت رودخانه زاینده رود
۷	خانه اوشان- کلوکن	اوشان	۱۳۵۳	هوشنگ سیحون	هوشنگ سیحون	تلفیق طرح بنا با بدنه سنگی سایت

در دوره پهلوی دوم، معمارانی مانند سیحون سعی کردند تا مفاهیم معماری ارگانیک را در طراحی ساختمان‌ها، مبلمان و فضای داخلی به کار ببرند. این سبک معماری شامل ویژگی‌های زیر بود:

نمایش مصالح به صورت طبیعی: در این نوع معماری، مصالح ساختمان به صورت طبیعی نمایش داده می‌شدند. تلفیق محیط مصنوع با محیط طبیعی: این سبک معماری تلاش می‌کرد تا محیط ساختمان با محیط طبیعی پیرامون هماهنگ شود.

همجواری مصالح طبیعی و مصنوعی در کنار یکدیگر: در این نوع طراحی، از ترکیب و همجواری مصالح طبیعی و مصنوعی برای ایجاد یک هماهنگی استفاده شده است.

استفاده از اشکال و فرم‌های طبیعی: در این نوع سبک، از فرم‌ها و اشکال الهام گرفته، از جنبه‌های طبیعت استفاده شده است. حداقل دخالت در محیط‌های طبیعی: چنین نوع طراحی هدف خود را در حفظ و حفاظت از محیط‌های طبیعی قرار داد.

منابع

۱. بانی مسعود، امیر. (۱۳۸۹). معماری غرب، تهران: موسسه انتشارات چاپ هنرمعماری قرن.
۲. بانی مسعود، امیر. (۱۳۹۴). معماری معاصر ایران. تهران: موسسه انتشارات چاپ هنرمعماری قرن.
۳. پاسبان حضرت، غلامرضا. (۱۳۸۸). "طراحی در طبیعت باغ فردوسی-باغ جمشیدیه تهران، طراحی محیطی دره‌های کلک چال"، تهران: انتشارات گنج هنر.
۴. حسینی، سیده مریم و حمزه لوی، سارا، ۱۴۰۰، تحلیل معماری ارگانیک در بناهای دوره پهلوی دوم ایران، چهارمین کنفرانس بین‌المللی و پنجمین کنفرانس ملی عمران، معماری، هنر و طراحی شهری، تبریز.
۵. سرداری، مازیار. (۱۴۰۲). کلاس درسی سبک‌شناسی معماری معاصر ایران/سخنرانی پیرامون سبک‌شناسی معماری معاصر ایران. پاییز ۱۴۰۲.
۶. سیحون، هوشنگ. (۱۳۹۴). هوشنگ سیحون. تهران: موسسه انتشارات چاپ هنرمعماری قرن با همکاری نشر دایره‌ی سبز.
۷. قبادیان، وحید. (۱۳۹۶). معماری معاصر غرب. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
۸. قبادیان، وحید. (۱۴۰۰). معماری معاصر ایران. تهران: موسسه انتشارات علم معمار، نشر فکر نو.
۹. محمدی گنبدی، الهام و جزءپیری، علیرضا. معماری ارگانیک در بناهای دوره پهلوی دوم. کنفرانس بین‌المللی مهندسی عمران معماری و زیرساخت‌های شهری. تبریز. (۱۳۹۴).

۱۰. مشایخ فریدنی، سعید. (۱۳۹۲). گزارش علمی، هندسه و فضای معماری ارگانیک، صفحه، شماره ۶۷، صفحات ۵۷-۶۶

11. frank lloyd wright , writing and buildings , Cleveland world publishing company. 1960,p, 294.

12. frank Lolyd wright . The future of architecture, New York : new American library, 1963 , p

347